

# فتنه و ایمان

(۹)

است که با متشابهات خویش، اهل زیغ و دلباختگان گنده‌نمائی را آن چنان تر می‌کند! \* تجاوزگران بناموس افکار و عقائد، از این طریق فرقه‌های متخاصم می‌سازند \* داستان حنابله با محمد بن جریر طبری که هزارها دوات و قلم بسویش پرتاب نمودند و خانه‌اش را سنگباران کردند \* شطاری و طراری هیتلر \* دست‌آویز کردن آثار بوسیله خوارج و عافیت طلب‌ها و قرامطه و غیر اینها \* و بنابراین اگر همه قرآن محکمت می‌بود به غرض و هدف نزدیکتر نبود؟

\* اعتراض بر اشتمال قرآن بر متشابهه \* آنکه قرآن خود رانور و فرقان بین حق و باطل معرفی می‌کند، مورد اتفاق بیگانه و یگانه است \* موقعیت رسول الله صلی الله علیه و آله و عترت اطیبین علیهم السلام نسبت به قرآن، مقام تعلیم و تبیین است، و معجزه بودن قرآن کریم برهانی است بر این مدعا \* دور روایت در این باره از شیعه و سنی \* یگانه و سیله متین برای اتحاد بین فرق مسلمین، قرآن است و بس \* حدیث: ترکتم علی البیضاء لیلها کنهارها \* معذک همین قرآن



حق و باطل معرفی می‌کند، و قاطعانه اعلان مینماید که تبیان هر چیز است و همه مبهمات و معضلات بوسیله آن تبیین و تحلیل می‌شود و موقعیت رسول الله صلی الله علیه و آله را نسبت بخویش، موقعیت معلم می‌شمارد و بدیهی است که معلم وظیفه و شأنش در مقام تعلیم، ارشاد فهم متعلم است به معانی و مقاصدی که درک

مقالات مربوط به فتنه خصوصاً حدوث فتنه و تفرق امت بفرقه‌های گوناگون از ناحیه متشابهات قرآن اعتراض برانگیز است به این توضیح:  
آشنایان با قرآن چه پیروان دین اسلام و چه بیگانگان، دریافته‌اند که قرآن خود را نور و ره‌نما و گواه روشن و فرقان بین



آنها برای وی دشوار است و عبارتی: حقیقت تعلیم همانا، تسهیل طریق و عبور دادن متعلم بسوی مقصد است از راه مستقیم، بگونه ای که با ترتیب و اسلوبی منظم در تعلیم تلقی معنای مطلوب بر ذهن متعلم آسان می گردد و به رنج ترتیب و تنظیم و اتلاف عمر در این جهت مبتلا نمی شود و همین است مقصود از آیه کریمه: «وانزلنا اليك الذكر لتبين للناس ما نزل اليهم» (سورة النمل- آیه ۲۴). ما کتاب شریف که یادآور احکام فطرت است بر تو نازل نمودیم تا برای مردم آنچه بسویشان فرود آمده تبیین نمائی.

و همچنین آیه مبارکه: «ويعلمهم الكتاب والحكمة» (سورة الجمعة- آیه ۲). و امثال این آیات که بیانگر مکانیت رسول الله صلی الله علیه و آله و موقعیت حضرتش نسبت به قرآن است و آن همانا تبیین معانی و تعلیم محتوای کتاب و تفاسیل احکام و قصص و معاد است و معجزه بودن قرآن کریم نیز خود برهانی است روشن بر اینکه شأن رسول الله صلی الله علیه و آله همین است، زیرا کتابی که عموم مردم (اعم از مردم موجود در عصر نزول قرآن و مردم آینده الی يوم القيامة) را دعوت می کند که در قرآن تعقل و تدبر کنند، خصوصاً آیه شریفه «افلا يتدبرون القرآن ولو كان من عند غير الله لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً» (سورة النساء- آیه ۸۲):

چرا با تدبر و ترتیب صحیح در قرآن نمی اندیشند؟! و چنانچه این کتاب از جانب غیر خدای متعال می بود، مسلم اختلاف بسیاری در آن می یافتند طبیعی است که ملتزم است، مدلولات و معارف آن، برای اهل تدبر و تعقل، قابل درک و نیل است و انسان با نصفت و وجدان بوسیله تدبر و اندیشه در آن، می یابد که از سوی پروردگار است، و بنابراین با توجه بمقام چنین دعوتی، معتاد ندارد که برای فهم آن به غیر رجوع گردد زیرا حجت غیر با آن، تثبیت می شود، و چنانچه بیان غیر، آن را حجت قرار دهد، مستلزم دور محال است.

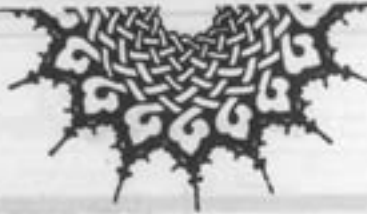
پس قرآن شریف خود نور و فرقان بین حق و باطل است و رسول الله صلی الله علیه و آله، و عترت طاهرين آن حضرت علیهم السلام که آنان را، طبق حدیث متفق علیه بین فریقین: «انتم تارك فيكم الثقلين كتاب الله وعترتي...» قائم مقام خویش فرموده، مقام تعلیم و تبیین را دارند و نبی اکرم صلی الله علیه و آله به اتمت توصیه فرمودند که هنگام فراگیری فتنه ها جملگی به قرآن پناهنده

شوند و به نور آن استضاء نموده تا از دیجور فتنه ها رهائی یابند: «اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فلیکم بالقرآن، فانه شافع مشفع و ماحل مصدق، من جعله امامه قاده الی الجنة ومن جعله خلفه ساقه الی النار و هو الدلیل بدل علی خیر سبیل و هو کتاب تفصیل و بیان و تحصیل و هو الفصل لیس بالهزل...» (ج ۱ ص ۲ از تفسیر عیاشی وج ۹۲ ص ۱۷ از بحار الانوار).

هنگامی که فتنه ها همچون پاره های شب دیجور بر شما بمانند پوششی احاطه کند، بر شما است که جملگی بقرآن تمسک جوئید چه قرآن شافعی است که شفاعتش پذیرفته شده و شاکبی است که شکوه اش مورد تصدیق است، هر کس قرآن را پیش روی خویش قرار دهد او را به بهشت می کشاند و هر کس قرآن را پشت سر خویش قرار دهد، او را به آتش می راند، قرآن دلیلی است که به بهترین راه دلالت مینماید و قرآن کتابی است روشن و در آن تفصیل هر چیزی است و گزیده هر مطلوبی در آن است و قرآن فاضل و جداساز بین حق و باطل است و ناگزیدگی در حریمش راه ندارد.

محدث کبیر ترمذی در سنن از برادر زاده حارث اعور «حارث همدانی جد شیخ بهائی ره» نقل کرده که عمویش جناب حارث گفت که امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: «... اما اتی سمعت رسول الله صلی الله علیه وسلم یقول: الا انها ستكون فتنه، فقلت ما المخرج منها با رسول الله؟ قال: کتاب الله فيه نبأ ما كان قبلکم و خبر ما بعدکم، و حکم ما بینکم، و هو الفصل لیس بالهزل. من ترکه من جبار قصمه الله و من ابغى الهدى فی غیره اضله الله و هو جبل الله المتین و هو الذکر الحکیم...» (ج ۵ ص ۱۷۲).

شنیدم از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وسلم که می فرمودند: هان که فتنه پدید خواهد آمد، عرض کردم: راه خروج از آن فتنه چیست یا رسول الله؟ فرمودند: کتاب خدا، در آن است اخبار مهم عبرت انگیز گذشتگان و خبرهای آیندگان و حکم ماینتان و آن کتاب، فاضل بین حق و باطل است و هزل و لا طائل نیست، هر زورگویی که آن را ترک کند خدای هلاکش گرداند و هر کس که از غیر قرآن هدایت جوید، خدای گمراهش خواهد نمود قرآن وسیله الهی محکم و یادآور میثاق فطرت است با روش حکیمانه.



وظاهرأ مراد از حدیث نبوی: «وایم الله لقد ترکتمک علی البیضاء لیلها کنهارها لایزیغ عنها بعدی الا هالک» که در سنن ابن ماجه قریب به این تعبیر (ج ۱ ص ۶) آمده، ملت و طریقه ای است که قرآن رهنا و دلیل آن است: «ان هذا القرآن یهدی للئی هی اقوم» و آیات و روایات دیگر از فریقین یعنی شیعه و سنی در این باره آنقدر است که استقصاء آنها تألیف کتاب مستقی را مقتضی است.

و معذک می بینیم هر صاحب مذهبی از مذاهب مختلف منسوب به اسلام و رئیس هر فرقه ای از فرق اسلامی در اثبات مذهب خود به قرآن متمسک می شود و این استدلالهای متقابل بخاطر این است که قرآن مبین در عین مبین بودن مشتمل بر آیات متشابهی است که برای اهل زین و تیره درونان برتری جو، وسیله و دست آویزی است تا بمقاصد شوم خویش نائل شوند و به حریم عقائد و افکار اهل کتاب واحد و قبله واحد و نبی واحد، تجاوز کنند و امت واحد را به فرقه هائی متخاصم مبدل سازند!

یاقوت حموی در معجم الادباء این داستان اسف انگیز را آورده است:

«چون محمد بن جریر طبری از طبرستان به بغداد بازگشت ابو عبدالله جصاص و جعفر بن عرفه و بیاضی به مقابله با او برخاستند و پیروان مسلک حنبلیه تحریک شده قصد وی نمودند و در مسجد جامع روز جمعه او را درباره احمد بن حنبل زیر سؤال بردند که احمد را چگونه میدانید؟ و از حدیث «جلوس بر عرش» پرسش نمودند.

او در پاسخ گفت: اما خلاف احمد بن حنبل در آراء فقهی قابل اعتناء نیست گفتند فقهاء او را در اختلافات فقهی ذکر کرده اند، پاسخ داد: من ندیده ام کسی از وی روایت کرده باشد و نیز ندیده ام که دارای اصحاب مورد اعتمادی باشد، و اما حدیث «جلوس بر عرش» امری است ممتنع، آنگاه این بیت را انشاء کرد:

سبحان من لیس له انیس ولا له فی عرشه جلسین  
و چون حنابله و اصحاب حدیث این کلام را از طبری

شنیدند، بروی پریدند، دو آنها و قلمدانها را بسویش پرتاب نمودند و گفته شده: تعداد مهاجمان به هزارها نفر می رسیده، پس طبری برخاسته و بخانه خود رفت و آنان خانه اش را سنگباران کرده بگونه ای که در جلو در خانه وی تل عظیمی از سنگ پدید آمد و نازوک رئیس انتظامی شهر با ده هزار مامور انتظامی بسوی خانه طبری روان شدند و او را از خشم مردم تحمیق شده نجات دادند و یک شبانه روز در آنجا توقف نمود و دستور داد سنگها را از جلو خانه اش بردارند و در این اثناء برخی از اصحاب حدیث که احمد بن حنبل را هم نشین خدا «والعیاذ بالله» در عرش می دانسته اند ایهاتی بر در خانه طبری نوشتند که از آنجمله است:

لا احمد منزلک لاشک علی اذا وافی الی الرحمن وافد  
فید نیه ویفعله کریماً علی عرش .....  
طبری پس از این واقعه ناگزیر خانه نشین شد و کتاب مشهور خود را در عذرخواهی از حنابله نوشت و متذکر مذهب خود شد و کسانی را که گمانی جز آن درباره اش داشته اند تکذیب نمود و کتابها بر آنها خواند و این حنبل را به برتری یاد کرد و مذهب وی را متذکر شده و اعتقادش را صواب دانست! ... (ج ۱۸ صفحه ۵۷-۵۹)

تاریخ شگفتیهای بسیاری را در ابعاد مختلف زندگی بشریاد آور است که اسف انگیزتر از همه آنها داستان تجاوز به افکار و عقائد مردم است که تاریخ دلان طرار حتی بدون دست آویز نمودن کتاب و آثار الهی، بلکه فقط با انتخاب واژه های فریبا، ماهرانه جلو فهم مردم ساده لوح را گرفته و شقارانها، افکار و عقائد آنان را بیغما برده اند، از «پاولو» دانشمند روسی نقل شده که گفته است: «می توان شرائطی بوجود آورد که انسانها را تبدیل به افرادی بی اراده و اتومات نمود» و رمز توفیق هیتلر در جهانسوزی، انتخاب همین طریقه بوده است و این نقاش، امتیازش در طراری بوده و نه در نقاشی، او و وزیر تبلیغاتش گوبلز چنان در این فن ماهر بودند که توانستند تقریباً همه دانشمندان و متفکران و دیگر

